

چکیده

علاوه بر تنوع فرهنگی و جغرافیایی جهان اسلام و وجود رزنها و عقاید که جهان اسلام می تواند ایجاد کند این امر جهانی با نگاه فکری تکثوری و تنگناهای جدید، زمینه ها و موانع آنها برای افزایش همکاری ها و تعاملات اقتصادی اجتماعی نیز خوب برای اجرای طرح های ملی جهانی نیاز بیشتر به همکاری و تهدید دوات های اسلامی وجود دارد تا تلاش سازد قاعده ای در همه زمینه های مرتبط صورت گیرد و جامعه جهانی اسلام به توسعه اجتماعی اقتصادی و فرهنگی دست یابد.

تنوع فرهنگی جهان اسلام

و چالش های موجود در عصر جهانی شدن

رشید جعفر پور*

شماره ۱۶، ۱۹۵۱، زمستان ۸۴، الهی نارسه ۸۴

۹۴

شکوه علوم انسانی و مطالعات
رساله جامع علوم انسانی



علی‌رغم تنوع فرهنگی و جغرافیایی جهان اسلام، اکثریت مسلمانان ویژگی‌های دینی، اجتماعی و زبانی مشترکی دارند. این ارزشها و عقاید مشترک می‌تواند نقاط پیوندی برای همکاری بیشتر بین دولتهای مختلف به منظور اتخاذ یک استراتژی جهانی برای افزایش جریان تجارت، سرمایه‌گذاری و اطلاعات و جایه‌جایی انسانها در منطقه جهان اسلام و همچنین در ارتباط با بقیه جهان فراهم آورد. برقراری چنین پیوندهایی بایه کارگیری تکنولوژی ارتباطی جدید، رایانه‌های الکترونیکی و بخش ماهواره‌ای تسهیل می‌شود. اگر تلاشهای صادقانه‌ای در همه بخشهای مرتبط صورت گیرد، با اجرای چنین برنامه‌ای جهان اسلام به توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌رسد. لذا یک نیاز فوری به تعهد بیشتر دولتها و افراد و همچنین اقداماتی برای درک گسترده و ارتباطات فزاینده در عرصه‌های مرتبط با تجارت، بازرگانی، کار، اطلاعات، علم و تکنولوژی وجود دارد.

چالش‌های اصلی

امروزه چالشهای داخلی و خارجی زیادی در مقابل مسلمانان وجود دارند. به خاطر گستره محدود این مطالعه، ما روی چالشهای زیر در مقابل جهانی شدن تمرکز خواهیم کرد:

- ۱- چالش سیاسی
- ۲- چالش فکری
- ۳- چالش اقتصادی
- ۴- چالش جهانی
- ۵- چالش اخلاقی

چالش سیاسی

اتخاذ سیاست قوی همکاری بین مسلمانان و تنظیم سیاستهای مشترک، منافع منطقه‌ای و جهانی مسلمانان را تضمین می‌کند. اگر دولتها نیاز به مشروعیت برای حکومت کردن دارند، تلاشهای جدی باید برای تجدید سنتهای سلیسشان و دموکراتیزه کردن فرآیند سیاسی برای اجازه مشارکت عمومی صورت گیرد. باید که مردم اختیار بیشتری برای پیشبرد منافع ملی بدهند و رهبران را به خاطر عملکردش پاسبگو و مسئول سازند و باید از حقوق و آزادیهای فردی در مقابل اشکال مختلف بی‌عدالتی و تبعیض دفاع کنند. قدرت در اسلام برای ایجاد یک سلسله نیست بلکه امانتی است که باید توسط رهبری صادق، مسئول، معنوی و با اخلاق به اجرا در آید. وحدت و برادری اصول اساسی اسلام هستند. هدف سازمان کنفرانس اسلامی تلاش برای گسترش وحدت و تفاهم بین دولتهای عضو است، اما مسلمانان امروز بیش از هر زمان قبل دچار تفرقه هستند.

چالش فکری

مسلمانان در اوج تمدنشان، در همه رشته‌های علمی مثل علوم، هنر، معماری، ستاره‌شناسی، ریاضیات و پزشکی سرآمد بودند. اما اکنون مسلمانان به دلیل طرد علوم انسانی و علوم تجربی دیگر سرآمد نیستند به خاطر حفظ هویت اسلامی‌اشان خواستار آموزش مذهبی و محافظه‌کارانه شده‌اند.

مفهوم علم و مشتقاتش ۸۸۰ بار در قرآن آمده است که این تکرار کسب دانش را برای هر مسلمانی واجب می‌سازد. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با فرمایش اینکه «کسب دانش وظیفه هر زن و مرد مسلمانی است» ارزش دانش را بازشناسانده و همچنین مسلمانان را به سفر کردن برای یادگیری دانش دیگران، حتی به چین و استفاده از آن برای پیشرفت مسلمانان سفارش کرده است. در حال حاضر کشورهای اسلامی، با وجود چالشهای اقتصادی جهانی، اعتبارات بسیار کمی را برای اصلاح ظرفیتهای فکری جوامعشان تخصیص می‌دهند.

نقیب محفوظ می‌گوید: «قدرت یک کشور، دیگر به وسیله توان نظامی، اندازه جمعیت، موقعیت جغرافیایی یا منابع معدنی اندازه‌گیری نمی‌شود، بلکه قدرت یک کشور بوسیله تعداد علما و دانشمندان و استعدادها و نوآوری‌ها و توانایی کشف، دستیابی و به‌کاربری‌اش اندازه‌گیری می‌شود.»

نهادهای آموزشی و تربیتی به قدر کافی مجهز به تأمین نیازهای مسلمانان برای پیشرفت تکنولوژیکی و علمی نیستند. در بین مسلمانان نسبت به گروههای دیگر در جهان بیسوادان بیشتری وجود دارند. جای بسی تأسف است که می‌بینیم، بسیاری از متخصصان مسلمان به خاطر نبود انگیزه مناسب، حقوق ناکافی، تسهیلات تحقیقی ناکافی، کمبود فرصت‌ها و پیامدهای سیاسی در خدمت غیر مسلمانان هستند. همانطوری که برنده جایزه نوبل، نقیب محفوظ می‌گوید: «قدرت یک کشور، دیگر به وسیله توان نظامی، اندازه جمعیت، موقعیت جغرافیایی یا منابع معدنی اندازه‌گیری نمی‌شود، بلکه قدرت یک کشور بوسیله تعداد علما و دانشمندان و استعدادها و نوآوری‌ها و توانایی کشف، دستیابی و به‌کاربری‌اش اندازه‌گیری می‌شود.»

چالش اقتصادی

این چالش شاید بزرگترین چالش رودروی مسلمانان، تحت نظام جهانی شدن است. یک نیاز فوری به سیاستهای اقتصادی مؤثر و منطقی به منظور دستیابی به خود اتکایی در تولید، مخصوصاً در کشاورزی، و تأمین غذا برای کاهش وابستگی به بقیه جهان وجود دارد. خود اتکایی با تشویق به تولید داخلی، امنیت ملی را بالا می برد. همان طوری که پرفسور العطاس اظهار می دارد؛ هدف نهایی توسعه در اسلام، دستیابی به سعادت بوسیله تعادل نیازهای مادی و روحی بشر است.^۲ باید با همکاری چند کشور مقدماتی برای تشویق به تولید منطقه‌ای با پشتوانه قوی تحقیقی، آموزشی و سرمایه گذاری برای تجارب کشاورزان کوچک فراهم شود. اقتصاد بر پایه علم جدید، تکنیکهای جدید را برای بهبود میزان تولید و رقابت ابداع کرده است. دولت‌ها باید محیط اقتصادی سالمی را بر پایه سیاستهای اقتصادی کلان مناسب برای تسهیل آزادی بازار و ایجاد انگیزه فراهم آورند. مؤسسات مالی مثل بازارهای پول، بازارهای سهام و بازارهای سرمایه برای ارتقاء توسعه در جوامع اسلامی ضروری هستند. همچنین تأکید بر عوامل بومی و محیطی در توسعه برای تداوم رشد ضروری است.

همکاری اقتصادی باید به منظور افزایش عامل تحرک در راه اندازی اتحادیه های گمرکی، توافقات دو جانبه و چند جانبه، مناطق آزاد تجاری و گروههای منطقه‌ای صورت گیرد. نظریه مزیت نسبی براساس تجارت منطقه‌ای در محدوده جهان اسلام نسبت به تجارت با بقیه جهان، به مسلمانان بهتر کمک می کند. مسلمانان برای افزایش قدرت معامله جمعی و تأثیر گذاریشان بر اقتصاد جهانی، باید قادر به رعایت استانداردهای بین المللی و کسب مزیت نسبی باشند.

چالش جهانی

تغییرات اخیر در نظامهای تجاری، مالی و پولی جهانی به خاطر منافع تعداد کمی از کشورها (مخصوصاً گروه ۷) است. غیر عاقلانه است که فکر کنیم که جهانی شدن برای آزادی اقتصاد بازار است. اقتصاد جهانی با هدف کمک به شرکت‌های چند ملیتی، اتحادیه‌های مالی بزرگ و منافع کشورهای قدرتمند تنظیم شده است. و رأی قدرت اقتصادیشان، کنترل آنها بر سرمایه جهانی، تکنولوژی، مدیریت، ارتباط، تحقیقات و اخبار، عوامل تعیین کننده اصلی است. در حال حاضر کشورهای مسلمان نه به تنهایی و نه به طور جمعی، توانایی مقابله با فشارهای بازیگران جهانی جدید را ندارند. در حالیکه هفتاد و پنج درصد

ذخیره منابع گاز و نفت جهان در کشورهای مسلمان قرار دارد اما آنها حق اظهار نظر در مورد تصمیمات بهره برداری جهانی از صنعت را ندارند. مقاله اخیر در اکونومیست بیان می دارد که انرژی، با مقدار تجارت جهانی حداقل از ۱/۷ تا ۲ میلیارد دلار در یک سال، بزرگترین صنعت جهان است. به علاوه شورای جهانی انرژی تخمین می زند که سرمایه گذاری جهانی در بخش انرژی بین سالهای ۱۹۹۰ و ۲۰۲۰، جمعاً حدود ۳۰ میلیارد دلار براساس قیمت‌های ۱۹۹۲ خواهد بود.^۳

یک نیاز فوری به تأسیس شرکتهای چند ملیتی شبیه به شرکت نفت مالزی (پتروناس) و سازمانهای منطقه‌ای مثل بانک توسعه اسلامی برای افزایش رقابت وجود دارد. بسیج عواملی چون کار، سرمایه و کالا بخشهای مهم اقتصاد جهانی هستند.

چالش اخلاقی

تلاش صادقانه برای ساخت یک جامعه اخلاقی و عادلانه، وظیفه همه مسلمانان است. چالش‌های کنونی رودر روی مسلمانان این حقیقت را آشکار می سازد که اصول بنیادین اسلامی مثل عدالت، آزادی و برابری به اجرا در نیامده‌اند. اصول اخلاقی اسلام، ساختاری را برای عملکرد جامعه اسلامی که همه جنبه‌های زندگی انسانی را پوشش دهد، بنیان می نهد. اسلام به مفهوم عدالت اجتماعی، عدالت اقتصادی، توزیع برابر درآمد، آزادی فرد و وظایف و مسئولیتهای دولت توجه ویژه‌ای می کند. عالم

نظریه مزیت نسبی براساس تجارت منطقه‌ای در محدوده جهان اسلام نسبت به تجارت با بقیه جهان، به مسلمانان بهتر کمک می کند. مسلمانان برای افزایش قدرت معامله جمعی و تأثیر گذاریشان بر اقتصاد جهانی، باید قادر به رعایت استانداردهای بین المللی و کسب مزیت نسبی باشند.

بزرگ مسلمان، امام غزالی، اسلام را «به تلاشی مساوی برای امرار معاش از یک سو و تلاش به خاطر خدا از سوی دیگر» خلاصه می کند.

پس هدف تخصیص منابع در اسلام افزایش رفاه همه است و نه افزایش رفاه عده‌ای محدود براساس نظام جهانی شدن. فرآیند غیر مذهبی جهانی شدن مخالف تعالیم

اسلامی است. تعالیم اسلامی شامل یک جهان بینی ویژه، مجموعه‌ای از ارزشها، هنجارهای فرهنگی و کاربردها در زندگی روزمره است. به طور کلی، سازمان ملل، برنامه کارش را به منظور کاهش تأثیر جهانی شدن بر جوامع جهانی در مواجهه با هفت چالش اصلی اینگونه پیشنهاد می‌کند. برنامه سازمان ملل عبارتست از:

- ۱- تقویت سیاستها و برنامه‌های توسعه انسانی و تطبیق آنها با واقعیت‌های جدید اقتصاد جهانی.
- ۲- کاهش تهدیدات بی‌ثباتی مالی و هزینه‌های انسانی این تهدیدها.
- ۳- اقدام جهانی مؤثرتر برای مقابله با تهدید جهانی به امنیت بشری.
- ۴- اقدام همگانی برای گسترش تکنولوژی به منظور توسعه بشری و ریشه کنی فقر.
- ۵- مخالفت با در حاشیه قرار گرفتن کشورهای کوچک و فقیر.
- ۶- چاره اندیشی برای عدم توازن در ساختارهای اداره جهانی با تلاشهای جدیدی به منظور ایجاد یک نظام متوازن.
- ۷- ایجاد یک ساختار دموکراتیک و سامان‌مند برای اداره جهان در قرن ۲۱.^۴

چشم‌انداز جهانی مسلمانان

جهانی شدن، به عنوان یک نظام اقتصاد جهانی، به نفع منافع اقتصادی کشورهای صنعتی، مخصوصاً آمریکای شمالی، اروپای غربی و ژاپن می‌باشد. این کشورها، علاوه بر سهم تجارت جهانی شدن، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر سرمایه جهانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، انتقال تکنولوژی و سازمانهای سیاستگذاری بین‌المللی مثل صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی دارند. سازمان ملل این حقیقت را با بیان این مطلب تأیید کرده است:

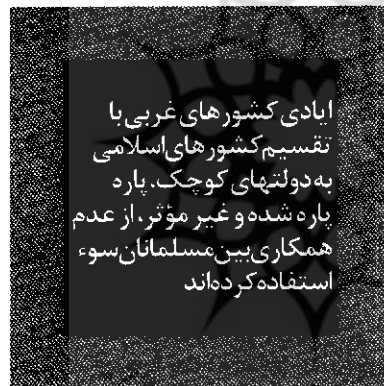
«کشورها و مردم فقیر تأثیر و نفوذ چندانی در سیاستگذاری جهانی امروز ندارند. مهمترین و تأثیرگذارترین این کشورها گروه ۷ هستند که اعضایش سازمانهای برتون وودز را از طریق حق وتو و شورای امنیت سازمان ملل را از طریق اشغال سه جایگاه از پنج عضو دائمی کنترل می‌کنند.»^۵

بالغ بر ۵۰ کشور مسلمان عضو سازمان ملل، نماینده تقریباً یک چهارم جمعیت جهان وجود دارند که تأثیر چندانی بر تصمیمات جهانی ندارند. انگلستان با جمعیتی کمتر از یک درصد جمعیت جهان نقش بسیار مهمتری بر شکل‌گیری تصمیمات جهانی نسبت به همه مسلمانان جهان دارد.

امروز یکی از مهمترین ضعفهای مسلمانان نداشتن بینش سیاسی برای وحدت است. بسیاری از مسلمانان اعتقاد دارند که منافعشان از طریق ارتقاء روابط با غرب

بخاطر تولیدات، تکنولوژی، آموزش، بازار و امنیت غربی، بهتر تأمین می‌شود. بی‌ثباتی سیاسی در بیشتر کشورهای اسلامی و تهدید جنگهای داخلی و منطقه‌ای بعضی کشورها را منجر به نا امنی کرده و در نتیجه آنها برای حمایت به غرب متوسل می‌شوند. به علاوه، فشار کشورهای غربی و تهدید تحریم‌های اقتصادی و مالی، کشورهای اسلامی را نسبت به ارتقاء روابط یا امضاء توافقات منطقه‌ای برای همکاری با کشورهای اسلامی دیگر بی‌میل می‌کند. همانطوریکه بیان کردیم، بالغ بر ۳۰۰ میلیون نفر مسلمان تحت تحریم اقتصادی شدید با حمایت سازمان ملل زندگی می‌کنند که این وضعیت باعث مرگ هزاران نفر بی‌گناه می‌شود و تأثیر ویرانگری بر وضعیت اقتصادی - اجتماعی کشورهای درگیر دارد. به علاوه، مسلمانان بی‌پناه و آواره از هر گروهی در جهان بیشتر هستند.

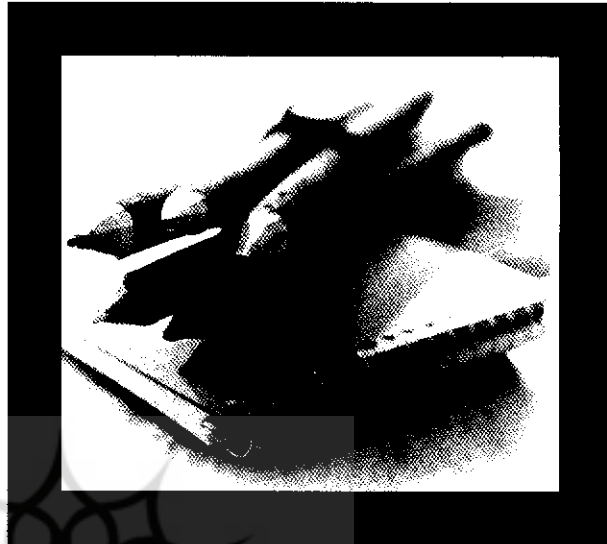
ایادی کشورهای غربی با تقسیم کشورهای اسلامی به دولتهای کوچک، پاره پاره شده و غیر مؤثر، از عدم



ایادی کشورهای غربی با تقسیم کشورهای اسلامی به دولتهای کوچک، پاره پاره شده و غیر مؤثر، از عدم همکاری بین مسلمانان سوء استفاده کرده‌اند

همکاری بین مسلمانان سوء استفاده کرده‌اند. به عبارت دیگر، تغییر شکل جوامع اسلامی براساس منافع، بینشها و عکس‌العملهای نخبگان داخلی، تحت فشار و تحریک‌های ایجاد شده توسط قدرتهای اروپایی و تمایل این نخبگان به بهره برداری از تأثیرات اروپائیان برای نزاع بر سر قدرت در جوامعشان صورت گرفته است.^۶

در نتیجه استقلال ملی، منابع، ثروت، وحدت و نفوذ، سلاح و غذا مسلمانان به کشورهای غربی وابسته‌اند. اخیراً در نشریه اکونومیست منتشر شده بود که فروش جهانی تسلیحات در سال ۱۹۹۹ به ۳۰/۳ میلیارد دلار رسید. ایالات متحده از سال ۱۹۹۹ تاکنون، بیش از ۱۳۳ میلیارد دلار تسلیحات به کشورهای جهان صادر کرده است. تخمین زده می‌شود که دو سوم فروش تسلیحات در کشورهای در حال توسعه صورت می‌گیرد که خاورمیانه بزرگترین خریدار آن است. در طی سی سال گذشته،



رشد متعادل و توسعه پایدار، بدون دانش بومی درباره عوامل تعیین کننده اصلی در تغییر اجتماعی، بدست نمی آید. پانصد سال قبل، ابن خلدون، عالم بزرگ اسلامی، دو عامل تعیین کننده برای توسعه بیان می کند: خلیفه یا رهبر عادل و عصبیت خوب یا انجام عمومی. اخیراً، بانک جهانی نیز به نتیجه مشابهی رسیده است با بیان اینکه، وضعیت جاری توسعه نیافتگی در کشورهای در حال توسعه تا حدودی مربوط به دو چیز می شود: فقدان حکومت خوب و مشارکت عمومی کم.

از لحاظ جهانی، مسلمانان نیاز به پیگیری یک رویکرد ارتباطی متحد خارجی در قبال جهانی شدن به منظور تقویت موقعیت خارجیشان در ساختار جهانی دارند. روابط خارجی دولتها این امکان را می دهد که برای حضور در بازارهای جهانی و تأثیرگذاری بر نهادهای بین المللی تلاش کنند. هیچ کشور مسلمانی به تنهایی در یک موقعیت قوی قرار ندارد که چنین قدرتی داشته باشد. پس بنابراین، مسلمانان باید با تلاش دسته جمعی روابطشان را با کشورهای دیگر گسترش داده و از منافعشان دفاع کنند.

در سالهای اخیر، بسیاری از کشورهای جهان شروع به همکاری منطقه ای و چند جانبه به وسیله پیوستن به اتحادیه ها، مناطق آزاد تجاری، توافقات منطقه ای و اشکال دیگر همکاری کردند. رشد پایدار تحت نظام جهانی به دلیل تغییر مؤثر در جهت تولید برای بازارهای جهانی، دیگر علمی نیست. تحت نظام تجارت آزاد، کشورهای در حال توسعه، به خاطر قیمت های پایین محصولات کشاورزی

هزینه های نظامی جهان عرب به تنهایی به ۱۸۰۰ میلیارد دلار آمریکا می رسد. کشورهای خاورمیانه سال گذشته ۶۰ میلیارد دلار آمریکا برای دفاع هزینه کرده اند.

مسلمانان حدود ۱۰ الی ۱۵ درصد تولید ناخالص ملی را اختصاص به نیروهای نظامی می دهند که این رقم در سایر کشورهای جهان ۴/۵ درصد است. در بودجه های کلی دولتها، کشورهای مسلمان حدود ۳۰ درصد کل هزینه را صرف خرید تسلیحات می کنند. در سال بودجه نظامی بعضی کشورهای عرب به مقدار ۲۶/۷۲۵ میلیارد دلار رسید. تاکنون، نه کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی، نه کشورهای اتحادیه عرب و نه هیچ اتحادیه دو جانبه یا چند جانبه ای قادر نشده فشارهای علیه مسلمانان جهان را کاهش دهد.

در این عصر جهانی شدن، چالش های پیش روی مسلمانان هم داخلی است و هم خارجی. به لحاظ داخلی، وضعیت داخلی کشورهای اسلامی، با وجود بی ثباتی سیاسی، نخبگان غیر مسئول، بی عدالتیها، نابرابری ها، فقدان آزادی، فرصت های اقتصادی نابرابر و ظلمها، تیره شده است. علیرغم این حقیقت که کشورهای اسلامی از لحاظ سیاسی مستقل هستند، اما تلاشهایی جدی برای احیاء میراث اسلامی از دست رفته در طی حاکمیت استعمار بر سرزمینهای اسلامی، صورت نداده اند.

در سالهای اخیر، تلاش در جهت نوسازی از طریق آموزش و تولید محصولات فرهنگی غیر مذهبی، اعمال سیاستهای بازار و انتقال تکنولوژی تولید، وضعیت را بهتر نکرده است.

پانصد سال قبل، ابن خلدون، عالم بزرگ اسلامی، دو عامل تعیین کننده برای توسعه بیان می کند: خلیفه یا رهبر عادل و عصبیت خوب یا انجام عمومی. اخیراً، بانک جهانی نیز به نتیجه مشابهی رسیده است با بیان اینکه، وضعیت جاری توسعه نیافتگی در کشورهای در حال توسعه تا حدودی مربوط به دو چیز می شود: فقدان حکومت خوب و مشارکت عمومی کم.

و تولیدی عرضه شده در بازارهای جهانی رنج می برند. کشورهای صنعتی سود بسیار زیادی نسبت به بقیه کشورهای جهان به خاطر تولید با قیمت های بسیار پایین می برند. جهانی شدن به معنی رقابت در کالاهایست که فقط تعداد محدودی از کشورها یا شرکتها توان تولیدش را دارند. به عبارت دیگر، «اقتصاد جهانی شده شمشیری دولبه

است که بر خدمات، کالاها و سرمایه تأثیر می‌گذارد، اما تأثیرش بر کشورها، مناطق و مردم بسیار نابرابر است.^۷ جالب است که در ادبیات اخیر به توسعه بین‌المللی با عنوان رویکرد مردم محور برای حل چالشهای کشورهای فقیر ملاحظه شده، در حالیکه روزهای جهانی جدید بوسیله قدرت شرکتهای چند ملیتی و تجاری بزرگ مشخص می‌شود. امروز بهترین محصولات که مردم می‌توانند بخرند، نه لزوماً در کشورشان بلکه در جایی از جهان ساخته می‌شود.

با وجود پیچیدگی جهانی روابط و تبادلات بین‌المللی، کشورهای مسلمان نمی‌توانستند از طریق جدا کردن خودشان از بقیه جهان (نسبت به تحولات جهانی) بی‌تفاوت باشند. اقتصاد جهانی جدید ملتها را مجبور می‌سازد تا معلوماتی در مورد بازارهای جهانی و محلی کسب کنند. علاوه بر این، تعمیق روابط جهانی مستلزم تقسیم منافع جهانی بین ملتها خواهد بود که این نیز بر چشم انداز توسعه در جوامع مسلمان تأثیر می‌گذارد.

شکی نیست که زیربنای علمی کنونی در جوامع مسلمان مناسب برای آماده سازی آنها برای رقابت با سایر کشورهای صنعتی نیست. مسلمانان باید تلاش کنند تا انتقال دانش جهانی را به جوامعشان با تعمیم امکانات استاندارد برای بر خورداری از دانش جوامع بین‌المللی، تسهیل کنند. تحت این شرایط، تکنولوژی اطلاعاتی مسلمانان، نه تنها توسعه پایدار در جهان اسلام ایجاد می‌کند بلکه همچنین ابزاری برای استفاده مشترک در تبادل دانش با بقیه جهان فراهم می‌آورد. همان طور که ژوزف استیگلیتز بیان می‌کند: «ایجاد زیربنای علمی مستلزم یادگیری چگونه یادگیری است - یعنی ایجاد ظرفیت برای برداشتن فاصله علمی، که آن نیز بخش ضروری یک استراتژی توسعه موفق است.»^۸ استفاده از تکنولوژی‌های ارتباطی، از طریق تأثیرگذاری برای نظامهای ارزشی، اعتقادات مذهبی، رفتار و برخوردهای اجتماعی و شیوه سنتی زندگی مردم در حال بازسازی جهان بینی گروه‌ها و ملتهای مختلف است. ارتباطات درونی بین گروههای فرهنگی مختلف به این معنی است که جهانی شدن با حذف فاصله و فضای مرتبط میان مردم در قسمتهای مختلف جهان، مرزهای فرهنگی بشری را نادیده می‌گیرد.

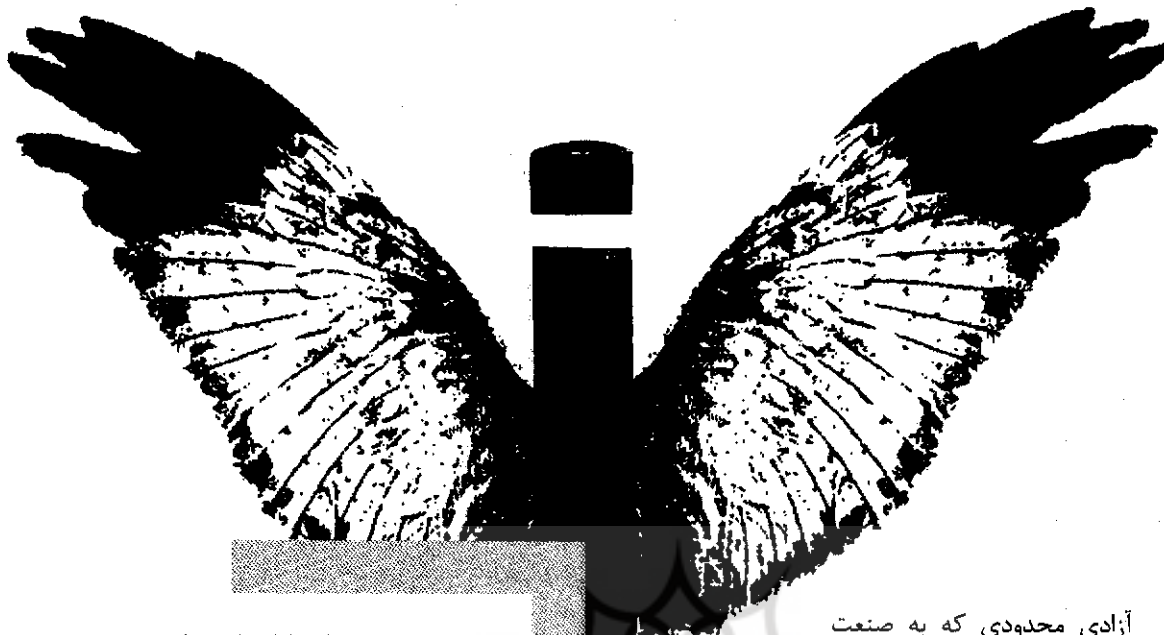
جهانی شدن، به عنوان یک فرآیند اجتماعی، نسخه برداری تولیدات فرهنگی غربی در کل جهان به منظور تسهیل فرآیند نوسازی غربی سکولار (غیر مذهبی) است. این ایدئولوژیهای جدید نیز با فعالیت شرکتهای چند ملیتی، نهادهای غیر دولتی و سازمانهای بین‌المللی به

عنوان بخشی از برنامه کارشان برای اجرای برنامه‌های سرمایه‌گذاری متنوع به منظور بازنمایی رویکرد بازار آزاد به توسعه و تحمیل سیاستهای تعدیل ساختاری، گسترش یافته است. تمرکز تکنولوژیهای ارتباطی و انحصار کنترلشان توسط شرکتهای غربی این امکان را به آنها داده است که وارد عمل شوند و توسط این تکنولوژیهای ارتباطی برنامه‌هایی پخش کنند که با الگوهای اجتماعی و فرهنگی جوامع مسلمان برخورد دارند. پخش برنامه‌های ماهوارهای گوناگون و ورود گسترده از طریق اینترنت به جهان اسلام، تهاجمی به جهان بینی اسلامی است. به کارگیری رسانه‌های جمعی گوناگون توسط شرکتهای چند ملیتی ابتدا به منظور تبلیغ محصولاتشان و افزایش سهمشان در بازار بود و لزوماً به منظور افزایش استیلای فرهنگی و آموزشی بر کشورهای در حال توسعه نبود. جهان بینی اسلامی به خاطر ویژگیهای منحصر به فردش، نمی‌تواند از جهان بینی‌های دیگر برای تغییر الهام بگیرد.

شکی نیست که زیربنای علمی کنونی در جوامع مسلمان مناسب برای آماده سازی آنها برای رقابت با سایر کشورهای صنعتی نیست. مسلمانان باید تلاش کنند تا انتقال دانش جهانی را به جوامعشان با تعمیم امکانات استاندارد برای برخورداری از دانش جوامع بین‌المللی، تسهیل کنند

استفاده مناسب از تکنولوژی برای کاهش فقر و توسعه پایدار در کشورهای مسلمان ضروری است. تکنولوژی انتخاب شده باید با شرایط اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی کشورهای مختلف سازگار باشد تا این که این سازگاری تقویت شود و ترکیب دانش جهانی و محلی کارا تر گردد.

هدف توسعه پایدار در نظر گرفتن شرایط سریع اصلاح توسعه بشری و رشد اقتصادی و به کارگیری منابع کشور برای تأمین نیازهای نسل آینده است. اولین قدم برای عمل به چنین وظیفه‌ای این است که مکانیزمهای مدیریتی، اجرایی و سازمانی مؤثر جهت تسهیل نشر و گسترش دانش و استقرار تکنولوژی فراهم گردد. زیر ساختهای سازمانی و نهادی کنونی در بیشتر کشورهای اسلامی به دلیل محدودیتهای دولتی و گزینشی بودن برنامه‌های آموزشی، برای گسترش چنین تقاضاهایی برای دانش مناسب نیست.



تمرکز تکنولوژیهای ارتباطی و انحصار کنترلشان توسط شرکتهای غربی این امکان را به آنها داده است که وارد عمل شوند و توسط این تکنولوژیهای ارتباطی برنامه‌هایی پخش کنند که با الگوهای اجتماعی و فرهنگی جوامع مسلمان برخورد دارند

آزادی محدودی که به صنعت خصوصی‌سازی، نوآوری‌های فردی، فعالیت‌های بازار و شرکت‌های خارجی داده شده، به پتانسیل رشد اقتصاد علمی صدمه می‌زند. سیاست‌های آموزشی کشورهای مسلمان با نیازهای حال و آینده جهت کسب ثبات و دستیابی به هدف دراز مدت خود اتکایی و رشد هماهنگ نیست.

انسان نباید نقش دولتها را در تقویت سیاستها جهت ایجاد زیربنای علمی برای حمایت مالی و ایجاد انگیزه و راهنمایی لازم برای دستیابی به اهداف ملی انکار کند. به هر حال، اگر قرار است که توسعه تکنولوژیکی ارتقاء یابد، سطح بالایی از هماهنگی و همکاری بین نهادهای خصوصی و عمومی و عملکردها ضروری است. تکنولوژی اطلاعاتی به طور آشکاری در دسترس همه است و دیگر محدود به تعداد معدودی از کشورها نیست. کشورهای مسلمان می‌توانند با سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و با ایجاد محیطی مناسب برای تلفیق نظام اطلاعات جهانی با عناصر بومی به مقدار زیادی از چنین تکنولوژی مرتبط با دانش برای تداوم توسعه سود ببرند.

طرح‌هایی برای اقدام جهانی

گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۹ سازمان ملل چندین پیشنهاد را برای چگونگی نوسازی اقتصاد جهانی مطرح می‌کند:

۱- یک بانک مرکزی جهانی که به عنوان آخرین چاره به کشورهای بی‌پول وام بدهد و به تنظیم بازارهای مالی کمک کند.

- ۲- یک تراست (چند شرکت دارای یک مدیریت و هیأت مدیره) سرمایه‌گذاری جهانی برای اعتدال جریان سرمایه خارجی به داخل و خروج سرمایه از کشورهای جهان سوم و افزایش بودجه‌های توسعه مالیات‌گیری سرانه جهانی یا سرمایه‌گذاری کوتاه مدت.
- ۳- قوانین جدید مثل مبارزه با قدرتهای انحصاری برای سازمان تجارت جهانی تا این سازمان را قادر سازد که شرکتهای جهانی را از تسلط و کنترل صنایع مصون سازد.
- ۴- قوانین جدید راجع به حق انحصاری جهانی که نظام حق انحصاری را از جلوگیری از ورود کشورهای جهان سوم به توسعه، دانش و بهداشت منع کند.
- ۵- مذاکرات جدید راجع به معاهده سرمایه‌گذاری جهانی که شامل کشورهای در حال توسعه شود و به قوانین محلی نیز توجه کند.
- ۶- قوانین پولی انعطاف پذیر جدید که کشورهای در حال توسعه را قادر سازند جهت حمایت از اقتصادشان بر دستگاهاهی سرمایه‌گذار مالیات ببندند.
- ۷- یک مجموعه قوانین جهانی جهت اداره شرکتهای چند ملیتی، برای تشویق آنها به تداوم فعالیتشان براساس

نوع قوانین کاری و محیطی که در کشورهای محل استقرارشان وجود دارند.^۱

یک دستور کار اسلامی

برای تقویت موقعیت جهانی و منطقه‌ای مسلمانان، ابتکارها و سیاستهای جدی در مورد جهان اسلام ضرورت دارد. شکی وجود ندارد که جهانی شدن در حال ارائه یک راه حل جهانی برای توسعه کشورهای غیر غربی است. اسلام، با فرض حفظ اصول اسلامی و منافع مسلمانان، مخالف دستیابی به دانش دیگران نیست.

علاوه بر چیزهای دیگر، مسلمانان باید موارد زیر را تعقیب کنند تا تغییری در آنها صورت گیرد و مشارکتشان در اقتصاد جهانی افزایش یابد:

۱- وحدت اسلامی و خود اتکایی دسته جمعی برای کاهش وابستگی به غیر مسلمانان و حمایت از منافع اقتصادی در مقابل اثرات زیانبخش اقتصاد جهانی.

۲- توسعه منابع انسانی به منظور ارتقاء مشارکت مردم در فرایند توسعه و همچنین، تسهیل تحرک شغلی بوسیله کاهش محدودیتهای نقل و انتقال نیروی کار در جهان اسلام.

۳- بازیابی هویت تمدنی و احیاء میراث گذشته. بیشتر نهادهای موجود مانند نظامهای حقوقی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مسلمانان بقایای میراث استعمار هستند.

۴- به سنتهای اسلامی «وقف» و «زکات» به منظور کاهش مشکل فقر بین مسلمانان جان تازه‌ای بخشیدن. این سنتها، همچنین، می‌توانند وظیفه سازمان‌های غیر دولتی فراملی را برای تأمین خدمات لازم برای بهداشت و آموزش انجام دهند.

۵- پیشبرد اهداف اقتصاد و مالیه اسلامی. تجربه بدست آمده اشکال مختلف سنتهای مالی اسلامی که تاکنون دلگرم کننده بوده است. تأکید بیشتر باید با هدف بنیانگذاری بازارهای پولی و سرمایه و توسعه ابزارها برای تسهیل جریان‌های مالی جهانی و منطقه‌ای صورت گیرد.

شکلی از وحدت پولی برای حمایت از گردش پول در گردش از دست سفته بازان ضروری است.

۶- تکنولوژی مناسب طرح ریزی شده برای رشد پایدار. دانش بومی متناسب با محیط محلی و توسعه پایدار، با تکنیکهای مناسب که قادر به استفاده از منابع یا راندمان بالاست، بهتر تأمین می‌شود. تکنولوژی خارجی می‌تواند یک نقطه امید باشد اما نمی‌تواند برای ثبات طولانی مدت اقتصاد راه حلی پیدا کند.

۷- ارتباطات و اطلاعات. مسلمانان می‌توانند از تکنولوژیهای ارتباطی موجود برای ارتقاء ارتباطات و افزایش

برای تقویت موقعیت جهانی و منطقه‌ای مسلمانان، ابتکارها و سیاستهای جدی در مورد جهان اسلام ضرورت دارد. اسلام، با فرض حفظ اصول اسلامی و منافع مسلمانان، مخالف دستیابی به دانش دیگران نیست.

اطلاعات استفاده کنند. این نوع تکنولوژیها می‌توانند مرزهای جغرافیایی و فرهنگی بین مسلمانان را از بین ببرند.

۸- تقبل طرح‌های مهم داد و ستد مشترک برای بهره‌گیری از منابع شغلی، تکنیکی و مالی اشان به شیوه ثمر بخش‌تر. چنین طرحهایی روابطی به سوی گذشته و روبه آینده ایجاد می‌کند و سرانجام تحرکی در رشد کشورهای مسلمان به وجود می‌آورد. مسلمانان باید برای تسهیل سرمایه‌گذاری پول نفت در کشورهای مسلمان دیگر تلاش کنند.

۹- استقرار شرکت‌های چند ملیتی برای حمایت از منافع و نیازهای مسلمانان، سرمایه‌گذاری و تقسیم تکنولوژی. همکاری بین مسلمانان به توسعه تکنولوژیهای جدید و گسترش آنها کمک خواهد کرد. اقتصاد جهانی جدید متکی بر توانایی شرکت‌های بزرگ برای رقابت در بازارهای جهانی است.

۱۰- مذاکرات بین‌المللی. مسلمانان باید سیاستها، قراردادهای و نهادها را در سطح همکاری پولی، اقتصادی و مالی بین‌المللی راه اندازی کنند تا به روح جهان گرایی و همکاری با آثار تمدنی دیگران رهنمون شوند.

۱۱- اجرای اصول اسلامی برای گسترش عدالت اجتماعی، مالکیت، برابری اقتصادی و حقوق و مسئولیتهای فردی.

۱۲- سازگار کردن سیاستها با تغییر مداوم بوسیله حمایت از محیط، کنترل رشد جمعیت و اصلاح کیفیت اسکان مردم در نواحی شهری و روستایی.

منابع:

- 1 - Quoted by Henry Azzam, The Emerging Arab Capital Markets (London: Kegan Paul International, 1997).
- 2 - Syed Muhammad Naguib Al-Attas, Prolegomena to The Metaphysics of Islam (Kuala Lumpur, International Institute of Islamic Thought and Civilization (ISTAC) 1995, pp.91-110)
- 3 - The Economist, February 10, 2000.
- 4 - See United Nations, Human

- Development Report 1999 (New York: Oxford University press, 1999).
- 5 - Ibid, p.11.
- 6 - Ira Lapidus, A History of Islamic Societies (Cambridge University Press, 1988), p.556.
- 7 - See The Courier, No 164, July-August 1997.
- 8 - Inge Kaul, Isabelle Grunberg and Marc Stren. (ed.)
- 9 - Quoted by Jan Nederveen Pieters, Shaping Globalization (London: Zed Books, 1998), p. 14.